دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ٤، شماره ٧، بهار و تابستان ١٣٩٦

بررسی و نقد گونه‌های معنایی واژه «نشط» در ترجمه‌های فارسی قرآن‌کریم

زهرا حیدری‌آبروان[1*]، بی‌بی‌حکیمه حسینی[2]

١- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران
٢- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن‌کریم، دانشکده مشهد، ایران

دریافت: ۹۶/۲/۱۲ پذیرش: ۹۶/۶/۵

چکیده

واژگان تک‌کاربرد نسبت به سایر واژگان در قرآن‌کریم، نیاز به‌دقت بیش‌تری در ترجمه دارند؛ زیرا گزینه‌های توضیحی دیگری در سایر آیات نداشته و این فقدان مصداق و سیاق آیه مشابه، بازگردانی آن‌ها را با دشواری همراه کرده است. فعل «نشط» یکی از واژگان تک‌کاربرد در قرآن‌کریم است که تنها یک‌بار در آیه ۲ سوره نازعات مورد اشاره قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد مترجمان در برخورد با این واژه، گونه‌های مختلفی از ترجمه را در پیش گرفته و دچار تشتت آراء شده‌اند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل داده‌ها و انتخاب ترجمه برتر، با روش دسته‌بندی رویکردهای مترجمان و تحلیل داده‌های قرآنی، اقدام به بررسی و نقد گونه‌های معنایی ارائه شده توسط ایشان نموده تا به این مسأله پاسخ گوید که نهایتاً کدام رویکرد دارای اعتبار بیشتری است؟

رهاورد پژوهش چنین است: مترجمان سه روش تحت‌اللفظی، وفادار و تفسیری را در ترجمه این آیه به‌کارگرفته‌اند؛ اما حقیقتاً هیچ‌یک نتوانسته است تمامی موازین نهفته در حقیقتِ واژه را رعایت نماید. در نتیجه لازم است در بازگردانی این آیه تجدیدنظر صورت گیرد.

واژگان کلیدی: ناشطات، قرآن‌کریم، نازعات، نشط، ترجمه‌های فارسی قرآن

*نویسنده مسئول مقاله: Email: zahra.heidary@mail.ru

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

١- مقدمه

از صدر اسلام و همزمان با فتوحات اسلامی که منجر به ورود این دین مبین به مناطق فتح شده گردید و نیز با توجه به این‌که قرآن، کتاب مقدس مسلمانان و منبع اصلی آموزه‌های دین اسلام بود، ترجمه به‌عنوان یک ضرورت، نمود یافت و عالمان مسلمان، به‌تدریج به برداشتن گام‌های عملی در مسیر ترجمه و نظریه‌پردازی در این‌باره سوق پیدا کردند (پاکتچی، ١٣٩٢: ١٧). اگرچه همواره مخالفان و موافقانی در خصوص ترجمه قرآن‌کریم وجود داشته است؛ در عین حال ترجمه‌های قرآن به هر زبانی که باشد، همواره در معرض نقد و نیازمند سنجش مکرر هستند.

دلیل دیگر اهمیت سنجش ترجمه‌های قرآن‌کریم، وجود کلماتی در این کتاب مقدس است که تنها یک‌بار به‌کار رفته است و به‌علت قلت استعمال، وجهی از غرابت به خود گرفته است. از آن‌جا که فهم مفهوم دقیق این کلمات به‌علت تک‌کاربرد بودن دچار قلت تدقیق نیز شده و اکثراً در مورد آن‌ها پژوهش‌های عمیقی صورت نگرفته است، پرداختن به معناشناسی این لغات می‌تواند برای مفسرین و مترجمانی که گرفتار تساهل در پژوهش نشده‌اند، راه‌گشا باشد.

آن‌چه در پیشینه این جستار قابل ذکر است اثری تحت عنوان «پژوهشی درباره واژگان تک‌کاربرد در قرآن‌کریم» است که برگرفته از رساله دکتری نویسنده می‌باشد.[١] این اثر به‌دلیل نگارش عمومی و کلی آن، قابلیت تسری به تمام واژگان تک‌کاربرد قرآن‌کریم را نداشته و برای هر واژه لازم است پژوهشی جداگانه انجام گیرد؛ و این هدفی است که پژوهش حاضر در پی آن بوده است.

یکی از سوره‌های قرآن که لغات تک‌کاربرد در آن وجود دارد «نازعات» است. در این سوره واژگان «**نشط**»، «**نخرة**»، «**طامة**»، «**غطش**»، «**سهر**»، «**سمکه**» و «**دحا**» تنها یک‌بار در قرآن به‌کار رفته است و بررسی معنایی هریک، به فهم معنای سوره کمک شایانی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

خواهد نمود؛ اما در این پژوهش به‌علت محدودیت گفتار تنها بـه بررسـی واژه «**نشـط**» پرداخته شده است.

نکته دیگر حائز اهمیت، اعتقاد نگارندگان بر عـدم وابسـتگی کامـل معناشناسـی واژگـان قرآن به متون و ریشه‌شناسی زبان‌هایی همچون سامی، آرامـی و امثـال آن اسـت؛ زیـرا ایـن زبان‌ها اگرچه پیش و همزمان با نزول قرآن مورداستفاده همسایگان جزیرةالعرب بوده‌اند و در فهم معانی متعددی که برخی واژگان قرآن می‌توانـد داشـته باشـد، کمـک شـایانی خواهند کرد، اما وابسته دانستن فهم متن قرآن و لزوم مراجعه به این زبان‌ها بـرای درک مفاهیم قرآن، تا حدی با یگانگی متن قرآن در تضاد است؛ چراکه به‌دلیل جاودانـه بـودن این کتاب آسمانی و محدودیت‌های فراوانی که در فهم زبان‌های مذکور وجود دارد، اگر برای مردمان هر عصر که قرآن به‌دست ایشان می‌رسد این سخن جای‌گیر شود که فهـم الفاظ قرآن وابسته به زبان‌های دیگر اسـت، از اعتبـار مـتن ایـن کتـاب آسـمانی کاسـته خواهد شد. به‌همین لحاظ نگارندگان معتقدند در فهم الفاظ تک‌کاربرد می‌توان با محـور قراردادن قرآن و معناشناسی لغوی کلمات به‌معنای حقیقی و ریشه‌ای واژه دست یافـت؛ زیرا علیرغم عدم وجود تکرار سیاق و اصل واژه، استفاده از سایر موارد همچـون سـیاق کلی سوره، آیات پیشین و پسین و تفحص در کتب لغت، کمک شایانی در درک معنـای این کلمات و بازگردانی صحیح آن‌ها در ترجمه‌هـای قـرآن خواهـد داشـت. بـر همـین اساس روش پژوهش در این جستار، تحلیل و مقایسه داده‌ها است. بدین معنا کـه ابتـدا داده‌های درون‌متنی به‌دست‌آمده از ترجمه‌های فارسی قرآن‌کـریم براسـاس انـواعِ روشِ ترجمه، بررسی شده است، سپس به‌منظور پاسخ بـه مسـأله پـژوهش و نقـد و انتخـاب بهترین ترجمه، داده‌های قرآنی در دو سطح از کل به جزء، مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱- سیاق آیات پیشین و پسین یا به‌نوعی سیاق کل سوره

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

٢- سیاق واژگانی که البته به‌دلیل عدم تکرار واژه در کل قرآن نمی‌توان از سیاق موضوعی واژه در کلیت قرآن‌کریم استفاده نمود و بررسی لایه اول تنها بر فهم لغوی و اصطلاحی آن با استفاده از کتب لغت استوار است

در نهایت نتایج به‌دست آمده از بخش اول مقاله بر مطالب به‌دست‌آمده از بخش دوم عرضه شده است. لذا ساختار مقاله در چهار بخش کلی تنظیم گردیده است.

در **بخش اول** تنها به تفکیک ترجمه‌های فارسی این آیه در ذیل روش‌های ترجمه پرداخته شده است.

در **بخش دوم** مفهوم واژه با استفاده از سیاق‌های ذکرشده ارائه گردیده است.

در **بخش سوم** که تحلیل و تطبیق است، معانی به‌کاربرده توسط مترجمان و نیز برتری و کاستی هریک از رویکردهای ایشان در ذیل آیه بررسی شده است.

در **بخش چهارم** بهترین روشِ ترجمه برای این آیه و شاید قابل استفاده برای آیاتی با واژگان تک‌کاربرد پیشنهاد گردیده است.

لازم به ذکر است، به‌دلیل تقسیم‌بندی‌های متنوع روش‌های ترجمه در این پژوهش، تنها به ارائه توضیح مختصری درباره آن نوعی از ترجمه پرداخته شده است که از منظر نگارندگان، ترجمه‌های فارسی آیه ٢ سوره نازعات در ذیل آن قابل معرفی و تبیین است.

٢- گونه‌های معنایی در ترجمه‌های فارسی قرآن

از همان هنگام که به امر ترجمه پرداخته شد، انواع و روش‌های آن نیز مورد توجه قرار گرفت. اگرچه به‌دلیل دسته‌بندی متفاوت انواع و روش‌های ترجمه باید میان این دو، تمایز قائل شد. برای مثال از انواع مختلف ترجمه می‌توان به ترجمه منظور، ترجمه شفاهی و ادبی، ترجمه ماشینی و مانند آن اشاره کرد؛ و در انواعِ روشِ ترجمه به مواردی همچون ترجمه تحت‌اللفظی، آزاد، معنایی و غیره اشاره داشت که در حوزه ساختاری زبان قرار دارند (قلی‌زاده، ١٣٨٣: ١٣٤-١٣٥).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

با توجه به آن‌چه گفته شد، گونه‌های معنایی واژه «نشط» براساس انواع روش ترجمه بررسی شده‌اند که در این پژوهش از سه دسته نام برده‌شده است.

دسته اول ترجمه‌هایی هستند که در محدوده روش ترجمه تحت‌اللفظی قرار می‌گیرند.

دسته دوم در ذیل روش ترجمه «وفادار» قرار گرفته است.

دسته سوم ترجمه‌هایی را در خود جای داده است که رویکرد تفسیری داشته و عنوان «بیش از حد آزاد»، نام دیگر آن است.[۲]

۲-۱- رویکرد تحت‌اللفظی

در این روشِ ترجمه که خود، به سه دسته بسیار تحت‌اللفظی، تحت‌اللفظی محض و تحت‌اللفظی تعدیل یافته قابل تقسیم است، مترجم سعی می‌کند در مقابل هر واژه از متن زبان مبدأ، لفظی از زبان مقصد قرار دهد که گاه ممکن است اولین معنای واژه و گاه ممکن است یکی از انواع معانی آن کلمه در زبان مقصد بوده باشد (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۲٤). البته منظور از تحت‌اللفظی در این‌جا، به‌معنای کلیت نحوه ترجمه مترجم نیست؛ بلکه منظور، به‌کار بردن اصل اولیه این نوع ترجمه در ذیل آیه مورد بحث است که در مقابل هر واژه یک کلمه قرار می‌گیرد؛ خواه این ترجمه، مفهومی قابل درک داشته باشد یا خیر.

در میان ترجمه‌های فارسی قرآن‌کریم، از مواردی که بتوان آن‌ها را در ذیل ترجمه واژه «نشط» و آیه دوم سوره نازعات، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی نامید، این موارد است:

- پاینده: «و جانگیران آسان‌گیر» (۱۳۵۷: ذیل آیه)؛
- رضایی اصفهانی: «سوگند به بازستانان نرم گیر!» (۱۳۸۳: ذیل آیه)؛
- معزی: «و به کشندگان کشیدنی (یا جهندگان جهشی)» (۱۳۷۲: ذیل آیه)
- صلواتی: «و به رهایی بخشان که رهانند» (۱۳۸۷: ذیل آیه)
- جلال‌الدین فارسی: «سوگند به تکاپوکنندگان پرتلاش» (۱۳٦۹: ذیل آیه)

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

- صفی علی‌شاه: «و بیرون‌کشندگان بیرون‌کشیدنی» (١٣٧٨: ذیل آیه)
- طاهری قزوینی: «و بادهای رحمت آور» (١٣٨٠: ذیل آیه)
- عاملی: «و نیز به آنها که می‌گشایند و میکشانند» (١٣٦٠: ذیل آیه)

همان‌طور که قابل مشاهده است، در این رویکرد، مترجم سعی کرده در مقابل هر واژه از آیه، کلمه‌ای از زبان فارسی قرار دهد؛ اما این‌که آیا ترجمه‌های فوق برای آیه مذکور قابل پذیرش بوده و یا می‌تواند کاستی‌های این روش ترجمه[٣] برای واژگان تک‌کاربرد را پوشش دهد، موضوعی است که پس از تفحص مفهومی واژه «نشط» و به تبع آن کل آیه، قابل قضاوت خواهد بود.

٢-٢- رویکرد وفادار

این ترجمه که با نام‌های «ترجمه امین» و «معادل» نیز شناخته می‌شود، حد وسط میان ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه معنایی است؛ که البته برخی آن را با ترجمه معنایی، یکسان می‌دانند. در این روش، مترجم می‌کوشد به ساختارهای زبان مبدأ و مقصد و نیز انتقال صحیح معنا وفادار بوده و هدف وی انتقال دقیق معانی در عین رعایت ساخت‌های زبانی هر دو متن مبدأ و مقصد است؛ که البته دارای انسجام متنی نیز هست (جواهری، ١٣٨٤: ١٤٣). از میان ترجمه‌های فارسی به طبع رسیده در این آیه، گزینه‌هایی را که بتوان تا حدی وفادار نامید و در این قسمت معرفی نمود، این موارد است:

- کاویان‌پور: «سوگند به آنان که دل غمگینی را نشاط می‌بخشند» (١٣٧٢: ذیل آیه)
- رهنما: «(و) سوگند به بیرون کشندگان (جان‌ها) به آرامی» (١٣٥٤: ذیل آیه)

آن‌گونه که از ترجمه‌های فوق برمی‌آید مترجم سعی در انتقال دقیق معنا داشته و نشانه این سعی آن است که عبارت ارائه شده به‌عنوان معادل، معنایی قابل فهم دارد و دارای انسجام متنی است؛ اما به‌دلیل وفاداری به متن مبدأ که از خصایص این روش

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

ترجمه است (همان، ١٣٨٤: ١٤٤)، مترجمان کم‌ترین افزودنی را داشته‌اند که درستی یا نادرستی آن در بخش تحلیل و تطبیق، سنجیده خواهد شد.

۲-۳- رویکرد تفسیری

ترجمه تفسیری، به‌معنای شرح کلام و بیان معنای یک متن، به زبان مقصد است. بدون شک، قرآن دربردارنده برخی واژگان و اصطلاحات است که فهم آن با تکیه بر معنای ظاهری صرف ممکن نیست (صیادانی و بازیار، ١٣٨٤: ١١). در این نوع از ترجمه، انتقال پیام گوینده در قالب ساختارهای زبان مقصد، اصلی‌ترین هدف مترجم است؛ حتی اگر حجم واژگان و جملات متناسب با متن اصلی نباشد (نجارپوریان، ١٣٨٨: ١٥). بر همین اساس به‌نظرمی‌رسد آن هنگام که مترجم در ذیل آیاتی از قرآن که مصداقی معرفی نکرده است، مبادرت به ارائه مصداق می‌کند، باید ترجمه وی را ترجمه‌ای تفسیری نامید؛ زیرا این کار علاوه بر آن‌که معمولاً بر حجم عبارت می‌افزاید، خارج از هدف گوینده نیز، هست که در معرفی نکردن مصادیق، هدف و مقصودی را دنبال می‌کند. این سخن حتی اگر درباره کلمات بشری قابل بیان نباشد، در مقابل واژگان قرآن که خالق سخن، آن را نازل فرموده است، مورد ادعا خواهد بود؛ چراکه در این کتاب آسمانی هر واژه در جایگاه خود رساننده معنایی است که شاید مصداق بیرونی، تبلور معنایی موردنظر قرآن را نداشته باشد. از جمله ترجمه‌هایی که در ذیل آیه ۲ سوره نازعات، ترجمه‌ای تفسیری به‌شمار می‌آیند موارد زیر هستند؛ هرچند پیش‌تر نیز گفته شد که عنوان تفسیری بودن، به‌معنای تعمیم آن به کلیت ترجمه آن شخص نبوده و تنها قابل ذکر در مواردی است که بررسی شوند:

- ارفع: «سوگند به فرشتگانی که با نشاط و آسانی جان گیرند» (١٣٨١: ذیل آیه)؛
- آیتی: «سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به آسانی می‌گیرند» (١٣٧٤: ذیل آیه)؛
- پورجوادی: «سوگند به فرشتگانی که روح را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (١٤١٤: ذیل آیه)؛

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

– مغنیه: «و سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به آسانی می‌گیرند» (١٣٧٨: ذیل آیه)؛

– خسروانی: «قسم به ستارگانی که از افقی به افقی می‌روند (نشط ای ذهب)» (١٣٩٠: ذیل آیه)؛

– ثقفی تهرانی: «و به فرشتگانی که بیرون آورندگانند بیرون آوردنی با محنت» (١٣٩٨: ذیل آیه)؛

– مصباح‌زاده: «و به فرشتگان نشاط آورنده ارواح» (١٣٨٠: ذیل آیه)؛

– میبدی: «بستارگان که از مشرق در می‌گیرند و می‌روند تا بمغرب رسند» (١٣٧١: ذیل آیه)؛

– دهلوی: «قسم به‌جماعات فرشتگان که بیرون می‌آرند» (بی‌تا: ذیل آیه)؛

– آدینه‌وند: «و سوگند به فرشتگانی که ارواح مومنان را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (١٣٧٠: ذیل آیه)؛

– الهی‌قمشه‌ای: «قسم به فرشتگانی که (جان اهل ایمان را) به آسایش و نشاط ببرند» (١٣٨٠: ذیل آیه)؛

– انصاریان: «و سوگند به فرشتگانی که [روح نیکوکاران را به نرمی و ملایمت از بدن‌هایشان] بیرون می‌آورند» (١٣٨٣: ذیل آیه)؛

– برزی: «و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] به نرمی ستانند» (١٣٨٢: ذیل آیه)؛

– طباطبایی: «و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (١٣٧٤: ذیل آیه)؛

– بروجردی: «و به فرشتگانی که جان اهل ایمان را به آسایش و نشاط ببرند» (١٣٦٦: ذیل آیه)؛

– سلطان علی‌شاه: «و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] به نرمی می‌گیرند» (١٣٧٢: ذیل آیه)؛

– ترجمه تفسیر طبرسی: «و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (١٣٧٥، ذیل آیه)؛

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

– حجتی: «و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (١٣٨٤: ذیل آیه)؛

– فولادوند: «و به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به آرامی گیرند» (١٤١٨: ذیل آیه)؛

– ترجمه قرآن مرکز فرهنگ: «و به فرشتگانی که [جان مؤمنان را] به آرامی برمی‌گیرند» (١٣٨٥: ذیل آیه)؛

– نصرت امین: «قسم به فرشتگانی (که مؤمنین را) به نشاط آرند» (بی‌تا: ذیل آیه)؛

– موسوی گرمارودی: «و به گیرندگان (جان مؤمنان) به آرامی» (١٣٨٤: ذیل آیه)؛

– مشکینی: «و به فرشتگانی که ارواح مؤمنان را به نرمی و آرامی بیرون آرند و به ستارگانی که از مشرق به آرامی بیرون آیند و به سوی مغرب روند» (١٣٨١: ذیل آیه)؛

– مکارم‌شیرازی: «و فرشتگانی که (روح مؤمنان) را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (١٣٧٣: ذیل آیه)؛

– نوبری: «و قسم به آن نفوسی که به امر و نهی خداوند تعالی تحصیل علم کرده و در اطاعت و انقیاد حق خوشحال و مسرور و با نشاط می‌شوند» (١٣٩٦: ذیل آیه)؛

– نسفی: «سوگند به فرشتگان جان مؤمنان را به آسانی بردارندگان» (١٣٧٦: ذیل آیه)؛

– خرم‌دل: «و سوگند به همه چیزهایی که (نیرویی بدانها داده شده است که بدان اشیاء را از قرارگاه خود) چابکانه و استادانه بیرون می‌کشند!» (١٣٨٤: ذیل آیه)؛

– یاسری: «و قسم به فرشتگان، که به مدارا جان بیرون آرند و ارواح مؤمنان را قبض نمایند» (١٤١٥: ذیل آیه)؛

همانگونه که مشاهده می‌شود اکثریت مترجمان در ترجمه این آیه، اقبال به ترجمه تفسیری و در مواردی آزاد، کرده‌اند؛ که از دلایل آن می‌توان به اختصار آیه و یکی بودن ریشه هردو قالب «**ناشطات**» و «**نشط**» اشاره کرد که به‌خاطر وجود ضیق معنا، مترجم را ناگزیر به استفاده از ترجمه تفسیری و ارائه مصداق واداشته است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

۳- واکاوی مفهومی داده‌های قرآنی

۳-۱- سیاق کلی سوره (آیات پیشین و پسین)

از آن‌رو که در بحث توقیفی بودن چینش سوره‌های قرآن اختلاف زیادی وجود داشته و وحدت موضوعی سیاق سوره‌های قرآن براساس چیدمان فعلی موضوعی چالش‌برانگیز است،[٤] به‌نظر نمی‌رسد بتوان با بررسی این نوع از سیاق که مبنای آن مدارِ شک قرار گرفته است، به تحلیلی قابل دفاع رسید. همچنین به‌دلیل نبودِ سیاق موضوعی واژه «نشط» در کل قرآن، در این بخش تنها به بررسی سوره نازعات و آیات پیش و پس از آیه دوم پرداخته شده است.

این سوره با واژه «**نازعات**» آغاز شده است که انجام عمل «**نزع**» توسط متصدیان آن را بیان می‌کند و به‌نظر می‌رسد واکاوی معنای این واژه و به تبع آن معنای آیه اول، در فهم معنایی آیه دوم مؤثر باشد؛ زیرا از لحاظ فرم ظاهری و صوری آیات در نظم و آهنگ و نیز قالب‌های واژگانی، تشابه کلی دیده می‌شود.

واژه «**نزع**» به‌معنای «کندن»، «از جای درآوردن» و مشابه، آن یعنی «بیرون آوردن» است که البته با سختی و مشقت همراه بوده و این سختی در معنای نزع نهفته است (ن.ک: فراهیدی، ١٤٠٩، ج١: ٣٥٧؛ ابن درید، ١٩٨٨، ج٢: ٨١٧). این واژه در قرآن‌کریم ٢٠ بار در صورت‌های ظاهری مختلف در آیات قرآن تکرار شده است که به‌نظر می‌رسد اصلی‌ترین معنای آن «کندن» و «از جای درآوردن» است.

کلمه «**نازعات**» بر وزن فاعل آمده، به‌صورت جمع مؤنث سالم ذکر شده و در سوره پیشین از فرشتگان الهی نام برده شده است. در نتیجه با توجه به‌معنای «**نزع**»، می‌توان گفت نازعات وصف حال فرشتگانی است که چیزی را به‌سختی از جای خود بیرون می‌آورند و یا به‌عبارت صریح‌تر آن را از جای خود می‌کَنند. هرچند ارائه مصداق، با توجه به این‌که در خود آیه نامی از فرشتگان و غیره نبرده است، کار صحیحی به‌نظر نمی‌رسد و چه بسا غرض از «**نازعات**» تنها فرشتگان نبوده و سایر آفرینندگان، به نوعی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

در انجام این کار مداخله داشته باشند. به هرحال آیه اول، وصف کسانی است که عمل «از جای درآوردن» و «کندن» و یا شاید «قبض روح کردن» را انجام می‌دهند.

آیه پسین، آیه سوم ﴿**وَ السَّابِحاتِ سَبْحاً**﴾ است که از بن‌مایه «**سبح**» تشکیل شده و رساننده معانی «شناکردن»، «تنزیه نمودن»، «پاک کردن» و «تسبیح گفتن» است (ن.ک: فراهیدی، ج۳: ۱۵۱؛ قرشی،۱۳۷۱، ج۳: ۲۱۱) که البته درباره خداوند، سه معنای اخیر آن کاربرد دارد.

در آیه چهارم ﴿**فَالسَّابِقاتِ سَبْقاً**﴾ محور اصلی، واژه «**سبق**» است که معادل «**قدم**» (فراهیدی، ۱٤۰۹، ج۵: ۸۵)، به‌معنای پیشی گرفتن، تقدم و درافتادن در برابر آن، قرار داده شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج۳: ۲۲۰).

در این آیه نیز، همچون سه آیه پیشین، توصیف کسانی شده است که فارغ از انسان یا غیرانسان بودن و یا جاندار و بی‌جان بودن، درحال پیشی گرفتن هستند. حال این‌که «پیشی گرفتن» و یا سایر معانی در چه اموری باشد، پرسش‌هایی هستند که به‌دلیل اختصار آیه قابل پاسخگویی نیستند.

آیه پنجم یعنی ﴿**فَالْمُدَبِّراتِ أَمْراً**﴾ نیز از لحاظ فرم ظاهری، مشابه ٤ آیه پیش از خود است؛ با این تفاوت که برخلاف آیات پیشین، بن‌مایه معنایی آن تنها به یک ریشه، ختم نشده و مترجم قادر به ارائه ترجمه‌ای واضح‌تر و منطبق‌تر خواهد بود؛ اما به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد در ۵ آیه اول سوره نازعات که از لحاظ شکل ظاهری و برخی ویژگی‌های دیگر یکسان دیده می‌شوند، از ۵ امر مهم نام برده‌شده است که مأموران الهی در حال انجام آن هستند و چون از جنسیت، نام و شاخصه‌های شکلی این مأموران سخنی به میان نیامده است و نوعی تعمد الهی را می‌رساند، باید لااقل در چهار آیه اول تنها به ترجمه ریشه واژه در هر آیه اکتفا نمود و آن ریشه را در دو قالب فاعلی و مفعولیِ منطبق با ساختارهای زبان فارسی که معادل‌های این دو قالب را ارائه می‌دهند، پیاده کرد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

۳-۲ سیاق واژه «نشط»

واژه «**نشط**» از سه حرف «ن،ش،ط» تشکیل شده است. البته واژگان دیگری براساس این سه حرف در کتب لغت وجود دارد که بر اساس تقدم و تأخر حروف به‌وجود آمده و شامل شطن، نطش، شنط[٥] است. حضور این کلمه در قرآن‌کریم نشان می‌دهد که در میان اعراب زمان نزول، واژه «**نشط**» مورد فهم و استفاده ایشان بوده است؛ زیرا قرآن تنها متن اصیل و صحیح برجای مانده از عصر پیامبر (ص) است و تمام واژگان آن نشان از مورد استفاده بودن آن‌ها در میان اعراب دارد و عقلاً از فصاحت قرآن به دور است که کلماتی را استفاده کند که هیچ‌یک از مخاطبان عصر خود، آن را به‌کار نمی‌برده است.

افزون بر آن، کاربرد بی‌شمار یک واژه در کتب لغت، با مشتقات و واژگان هم‌ریشه، اگرچه دلیل کاملی بر اصالت یک واژه در زبان خاصی نیست؛ اما قرینه‌ای مهم برای استفاده از آن به‌شمار می‌آید (فهمی حجازی، ١٣٧٩: ٢٠٣).

ابن‌فارس معتقد است، سه حرف «ن،ش،ط» در کنار یکدیگر دال بر اهتزاز و حرکت دارد (ابن‌فارس، ١٤٠٤، ج٥: ٤٢٦). صاحب تهذیب اللغة این سه حرف را در کنار یکدیگر مورد بررسی معنایی قرار داده و با نتیجه‌ای که از معانی آن‌ها گرفته است، می‌توان گفت این سه واژه را از یک ریشه می‌داند که در مواردی تشابه معنا دارند (ن.ک: أزهری، ١٤١١، ج١١: ٢١٣-٢١٥). همچنین صاحب «المحیط فی اللغة» با بررسی این سه واژه در ذیل «الشین و الطاء و النون» به نوعی بر هم‌ریشه‌گی این واژگان صحه می‌گذارد (ن.ک: اسماعیل بن عباد، ١٤١٤، ج٧: ٢٩٣)؛ به هر روی آن‌چه مهم می‌نماید، بررسی مفهومی ریشه «**نشط**» است که در قرآن‌کریم به‌کار رفته است؛ لذا در ادامه ویژگی‌های صرفی و نحوی، مفهوم لغوی و مفهوم مصداقی بررسی شده است.

۳-۲-۱- ویژگی‌های صرفی و نحوی

همان‌گونه که گفته شد واژه «نشط» در آیه ٢ سوره مبارکه نازعات: ﴿ **وَ النَّاشِطاتِ نَشْطاً**﴾، در دو قالب لفظی به‌کار رفته است. از نظر صرفی، کلمه «**ناشطات**» و «**نشطاً**» از

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

ثلاثی مجرد «**نشط**» گرفته شده است. «**ناشطات**» جمع مؤنث سالم و اسم فاعل است و «**نشطاً**» مصدر است و چون بر وزن «فَعل» آورده شده، متعدی بوده و دلالت بر فرح و شادی دارد (ن.ک: نیجیری، بی‌تا: ۲۰۷).

از نظر نحوی، واژه «**ناشطات**»، جار و مجرور و متعلق به اسم مقدر و واژه «نشطاً» مفعول مطلق برای عامل مقدر است (آدینه‌وند، ۱۳۷۷، ج٦: ۹۵۸؛ طنطاوی، ۱۳۹۲: ۷۸۹). تحلیل قابل وصف از نظر بلاغت برای این ریشه، آن است که با توجه به تک‌کاربرد بودن آن، هیچ فردی، حتی قائلان به وجود ترادف برای برخی لغت در قرآن‌کریم (همچون: حمیری، بی‌تا: ۱۵۳؛ و زبیدی، بی‌تا، ج۱۹: ٦۰)، قادر به معرفی مترادف برای این واژه نخواهند بود؛ زیرا از نظر ایشان استدلال اصلی برای ترادف میان کلمات، سیاق واژه و آیه است (زبیدی، بی‌تا، ج۱۹: ٦۰-٦۱)؛ اما در این آیه، لفظ در بافت و موقعیتی به‌کار رفته که معنایی خاص به خود گرفته است. در نتیجه از نظر بلاغی نمی‌توان واژه‌ای را جایگزین آن نمود و چه از لحاظ ریشه‌شناسی و چه بلاغت این واژه خاص بوده و برای فهم معنای آن باید از روش‌های دیگری سود جست.

۳-۲-۲- مفهوم لغوی واژگان

پیش‌تر اشاره گردید که سه حرف «ن،ش،ط» تشکیل دهنده واژه «شطن»، «شنط» و «نشط» هستند. أزهری در تهذیب اللغة برای هریک از این موارد معنایی را از قول سایرین نقل می‌کند که نشان از برخی تفاوت‌های معنایی میان سه ترکیب، علیرغم یکسانی حروف ریشه است:

شطن: از قول لیث و ابن‌سکیت، بستن و گره زدن ریسمان (بلند) را بیان کرده است (أزهری، ١٤٢١، ج١١: ٢١٣)؛ صاحب در «المحیط فی اللغة» نیز همین معنا را ذکر کرده است (صاحب، اسماعیل بن عباد، ١٤١٤، ج٧: ٢٩٣).

شنط: أزهری این واژه را مستعمل دانسته و از آن با عنوان « الشِّواء» که نوعی ماهی است یاد می‌کند (أزهری، ١٤٢١، ج١١: ٢١٤).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

نشط: برای این ترکیب معانی مختلفی را ذکر کرده است. از قول لیث، پاکیزه کردن نفس برای عمل که صفت آن را ناشط دانسته است؛ و از قول سایرین، گشودن گره را آورده است (أزهری، ١٤٢١، ج١١: ٢١٤). فراهیدی نیز با آن که در ابتدا پاکیزه کردن نفس را برای نشط به‌کار برده است (فراهیدی، ١٤٠٩، ج٦: ٢٣٧)؛ اما در جایی دیگر معنای «نشط الطریق» را خارج شدن از راه اصلی می‌داند (فراهیدی، ١٤٠٩، ج٨: ٢٧٨).

راغب اصفهانی در ذیل واژه «**نشط**» معنای «گره زدن» و « خارج ساختن» را بیان نموده و اشاره‌ای به دو ترکیب دیگر ندارد. در مجموع، اقوال وی به این شرح است:

قول نخست: «گره زدن امور به یکدیگر» که می‌توان همان معنای شطن را برای آن به‌کار برد و برخی لغویان دیگر هم بر این معنا تأکید دارند (ن.ک: شیبانی، ١٩٧٥، ج٣: ٢٦٩؛ ابن درید، ١٩٨٨، ج٢: ٨٦٧)؛

قول دوم: «خارج ساختن (روح از بدن)»؛

قول سوم: «رفتن از جایی به‌جای دیگر»: سخن راغب در این قول چنین است:

«قیل أراد بها النّجوم الخارجات من الشَّرْق إلی الغَرْب بسَیْرِ الفَلَك أو السّائِرَاتِ من المغرب إلی المشرق بسَیْرِ أنفسها» (راغب، ١٤١٢: ٨٠٧).

با توجه به آن‌چه گفته شد، معنای کلی مصدر «**نشط**» را در مجموع می‌توان این موارد برشمرد: پاکیزه کردن، گره‌زدن/ گره‌گشودن، خارج شدن/ خارج کردن، رفتن از جایی به جای دیگر؛ البته با توجه به سخن نیجیری که «**نشطاً**» را مصدری دانسته که چون بر وزن «فَعل» آورده شده، متعدی است و دلالت بر فرح و شادی دارد (ن.ک: نیجیری، بی‌تا: ٢٠٧)، معنای «نشاط بخشیدن» را نیز بتوان به این معانی افزود.

نهایتاً و با توجه به قالب فاعلی که «**ناشطات**» مطابق آن است و قالب مفعول مطلقی که «**نشطاً**» در آن قرار داده شده، لازم است قدر متیقن و مفهوم ضمنی از معانی ذکر شده به‌دست آورد تا در ترجمه این آیه ناگزیر به ارائه مصداق برای «**ناشطات**» نبوده تا از روش قرآن عدول نشود. افزون بر آن‌که برگزیدن هریک از معانی ذکر شده، با توجه

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

به سیاق آیات پیشین و پسین که هریک بر صحیح انجام دادن عملی توسط سوی مأموران الهی تأکید دارد و این تأکید را با استفاده از مفعول مطلق هم‌ریشه با آن فعل نشان داده است، برای این آیه نیز ارائه معنایی برای مصدر «**نشط**» لازم به‌نظر می‌رسد که بتواند تمامی معانی ذکرشده در کتب لغت را دربرگیرد تا از انتخاب بدون دلیل، جلوگیری شود. به‌عنوان مثال، اگر مترجمی بگوید قصد انتخاب معادل «خارج کردن» را دارد، مترجم دیگری نیز می‌تواند «گره زدن» را برگزیند، بدون آن‌که بتوان هیچ‌یک را رد نمود یا پذیرفت. بر همین اساس، قدر متیقن پیشنهادی از سوی نگارندگان، معادل «تغییر دادن» است؛ زیرا در تمامی معانی ذکر شده یعنی پاکیزه کردن، گره زدن/ گره گشودن، خارج شدن/ خارج کردن، رفتن از جایی به جای دیگر و نشاط بخشیدن، نوعی تغییر از حالتی به‌حالت دیگر دیده می‌شود که دربردارنده اصل حرکت و جنبشی است که پیش‌تر از قول ابن‌فارس بدان اشاره گردید.

۳-۲-۳- مفهوم مصداقی واژگان

واژه «ناشطات» جمع «ناشط» بر وزن فاعل است و بر کننده کار دلالت دارد، پس «ناشط»، انجام دهنده فعل «**نشط**» است. یعنی هرکدام از مصادیقی که در کتب لغت ذکر شده، فاعلی برای مفهوم «**نشط**» است. برخی همچون مهنا از مصادیق «**ناشط**» را گاو وحشی که از سرزمینی به‌سوی سرزمین دیگر می‌رود و «**ناشطات**» را ستارگان و ملائکه عنوان کرده‌اند (مهنا، ١٤١٣، ج٢: ٦١٨).

زبیدی مصادیق «**ناشطات**» را از قول سایر دانشمندان همچون ابن‌درید و ابوعبید، ستارگانی که طلوع و غروب می‌کنند، دانسته و از قول ابن‌عباس و ابن‌مسعود، «**ناشطات**» را ملائکه دانسته است. از قول فراء، نشط و ناشطات را قبض روح مؤمن، بیان نموده و به طور کلی در سه مصداق ستارگان، ملائکه انجام دهنده امور و ملائکه قابض ارواح، خلاصه می‌شوند (زبیدی، ١٤١٤، ج١٠: ٤٢٩-٤٣٠)؛ اما با وجود تمامی این روایات، تعیین مصداق در بحث ترجمه، امری است که بدون دلیلی با دلالت تام، امکان‌پذیر نخواهد

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

بود و به‌همین لحاظ، تعیین هریک از مصادیق گفته شده توسط مفسران و محدثان، به‌خاطر نیاوردن دلیل متقن و عدول از روش آیه، قابل پذیرش نیست. شاید به‌همین دلیل است که لغوی بزرگی همچون مصطفوی، به‌جای ذکر مصداق، به اصل معنای این دو واژه که از یک ریشه هستند می‌پردازد. وی مصادیق «**نشط**» را این موارد دانسته است:

«من مصادیقه: الحرکة و الاهتزاز أو الإسراع في العمل مع طیب و إقبال..» (از مصادیق آن: حرکت و اهتزاز و یا سرعت عمل همراه با خوشی و اقبال است...)؛

و از مصادیق ناشطات را موارد ذیل نام برده است:

«النَّاشِطاتِ: النفوس الّذین یعملون علی وظائفهم الإلهیّة و یأتون بالتکالیف الدینیّة و العقلیّة مع طیب نفس و إقبال قلبیّ، و ذکر المصدر إشارة الی الاهتمام و الدقّة و المجاهدة في هذا العمل و هذا المعنی بعد تحقّق الانتزاع عن العلائق الدنیویّة و التمایلات النفسانیّة، و بعد الورود في مسیر السلوك الی اللّه تعالی»:

(ناشطات: نفوسی هستند که به وظایف الهی خود عمل می‌کنند و تکالیف دینی و عقلی را با طیب نفس و اقبال قلبی انجام می‌دهند و ذکر مصدر اشاره به اهتمام و دقت و مجاهدت در این عمل دارد و این معنا بعد از تحقق انتزاع از علایق دنیوی و تمایلات نفسانی است و بعد از ورود در مسیر سلوک به‌سوی خداوند متعال) (مصطفوی، ١٤٣٠، ج١٢: ١٤١).

از نظر وی مصداق «**ناشطات**» که متصدی انجام امور هستند، فقط ملائکه نیستند. کمااین‌که سیاق آیه بر همین مطلب شهادت دارد و ممکن است اشاره به تمام مأموران الهی باشد که در حال انجام امور عالم به امر پروردگار هستند، هم‌چنان که در آیه قبل و آیات بعد نیز، همان قالب فاعلی برای ریشه‌های «**نزع**»، «**سبح**» و «**سبق**» به‌کار رفته است. لذا ارائه مصداق با توجه به روش سوره در ٥ آیه ابتدایی خود، کار صحیحی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

به‌نظر نمی‌رسد و برای ترجمه آن باید معنای فعل را در قالب فاعلی قرار داد که مدل پیشنهادی این پژوهش «تغییردهندگان (امور عالم)»، است.

۴- نقد و بررسی

۴-۱- بررسی معنای برگزیده توسط مترجمان

از چهار معنای ذکر شده که از تفحص معنایی در کتب لغت، برای مصدر «**نشط**» به‌دست آمد، مترجمان به‌ترتیب زیر، یکی از انواع آن را برگزیده‌اند؛ که البته مبنا در این قسمت از نقد، تنها بررسی معادل ارائه شده بوده است که گاه مترجم آن را معادل «**ناشطات**»، گاه معادل «**نشطاً**» و گاه در برابر هریک، قرار داده است. اگرچه در برخی ترجمه‌ها، مصادیقی نیز در کنار معنای فعل مشاهده می‌شود که درحال حاضر موضوع نقد نیست:

الف) پاکیزه کردن

از میان ترجمه‌های موجود در نرم‌افزارهای مورداستفاده در این پژوهش، هیچ‌یک از مترجمان، معنای ذکر شده توسط فراهیدی را برنگزیده است و مشخص نمی‌شود به چه دلیلی هیچ اقبالی به این معنا صورت نگرفته است.

ب)گره زدن/ گره گشودن

در بین مترجمان، تنها آقای عاملی است که ترجمه «و نیز به آن‌ها که می‌گشایند و می‌کشانند» (۱۳٦۰: ذیل آیه) را برگزیده است که چون یکی از دو فعل بیان شده توسط وی، معادل «گشودن» بوده و تا حدی به‌معنای «گره‌گشودن» نزدیک دیده می‌شود، در این قسمت از وی نام برده‌شده است. اگرچه مبنایی بر انتخاب این معادل توسط وی ذکر نشده و منطقاً دلیلی بر رجحان وجود ندارد.

ج) خارج‌شدن (از جای خود)/ خارج‌کردن (روح از بدن)

برای معنای خارج‌کردن روح از بدن، معادل فارسی «جان گرفتن» و «بیرون کشیدن روح» نیز قابل بیان است و بر همین اساس مترجمانی که از این عبارت استفاده کرده‌اند در این دسته جای داده شده‌اند. از جمله این افراد باید به: رهنما (۱۳٥٤: ذیل آیه)،

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

صفوی (١٣٨٨: ذیل آیه)، صفی علی‌شاه (١٣٧٨: ذیل آیه)، ارفع (١٣٨١: ذیل آیه)، آیتی (١٣٧٤: ذیل آیه)، مغنیه (١٣٧٨: ذیل آیه)، پورجوادی (١٤١٤: ذیل آیه)، دهلوی (بی‌تا: ذیل آیه)، آدینه‌وند (١٣٧٠: ذیل آیه)، الهی‌قمشه‌ای (١٣٨٠: ذیل آیه)، انصاریان (١٣٨٣: ذیل آیه)، برزی: «و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] به نرمی ستانند» (١٣٨٢: ذیل آیه)، بروجردی (١٣٦٦: ذیل آیه)، طباطبایی (١٣٧٤: ذیل آیه)، سلطان علی‌شاه (١٣٧٢: ذیل آیه)، ترجمه تفسیر طبرسی (١٣٧٥: ذیل آیه)، حجتی (١٣٨٤: ذیل آیه)، سراج (بی‌تا: ذیل آیه)، فولادوند (١٤١٨: ذیل آیه)، مشکینی (١٣٨١: ذیل آیه)، نصرت امین (بی‌تا: ذیل آیه)، ترجمه قرآن مرکز فرهنگ (١٣٨٥: ذیل آیه)، موسوی‌گرمارودی (١٣٨٤: ذیل آیه)، مکارم‌شیرازی (١٣٧٣: ذیل آیه)، نسفی (١٣٧٦: ذیل آیه)، خرمدل (١٣٨٤: ذیل آیه) و یاسری (١٤١٥: ذیل آیه) اشاره کرد؛ که البته عبارت «جان مؤمنان را با نشاط/ به آرامی جداساختن»، پرکاربردترین نوع ترجمه از واژه «نشط» برای این آیه در نزد مترجمان فارسی زبان بوده است و همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید، مشخص نیست که هریک، بر چه اساسی این معادل را برگزیده‌اند؛ درحالی که دلیلی بر این امر وجود ندارد؛ زیرا اولاً در احادیث، معنایی برخلاف این عبارت، از قول امیرمؤمنان (ع) نقل شده است که فرمود: «ناشطات ملائکه‌ای هستند که ارواح کفار را از میان پوست و استخوانشان بیرون می‌کشند تا آن را با غم و اندوه از دهان‌هایشان خارج کنند» (بحرانی، ١٣٧٤، ج٥: ٥٧٤)؛ و در روایت دیگری از قول پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: « قال اللّٰه تعالی: **وَ النَّاشِطاتِ نَشْطاً**، أفتدري ما الناشطات؟ هي كلاب أهل النار، تنشط اللحم و العظم» (بحرانی، ١٣٧٤، ج٥: ٥٧٥)؛ و در اینجا رسول اکرم (ص) ناشطات را سگ‌های جهنم دانسته‌اند.

ثانیاً در هیچ‌یک از موارد، عبارت ﴿**والناشطات نشطاً**﴾ بر «گرفتن روح از مؤمنان»، آن‌هم به آرامی، دلالت ندارد؛ بلکه برای عبارت «**فَالسَّابِقاتِ سَبْقا**» از امام باقر (ع) نقل

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

شده که فرمود: ﴿**فَالسَّابِقاتِ سَبْقاً**﴾ يعني أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم الى الجنّة» (فیض کاشانی، صافی، ١٤١٥، ج٥: ٢٨٩).

اگرچه علامه مجلسی در بحارالانوار، ۵ قول را درباره معنای این آیه ذکر می‌کند که دو معنای آن از ابن‌عباس ذکر شده است و در یک مورد آن، «**ناشطات**» را ملائکه قابض ارواح مؤمنان دانسته و در دیگری نفس مؤمنان را هنگام خروج روح از بدن به‌دلیل دیدن قطعه‌ای از بهشت، بانشاط دانسته است (مجلسی، بحارالانوار،١٤٠٣، ج٥٦: ١٦٩)؛ اما علامه‌مجلسی در این‌جا دلیل یا روایتی در تأیید سخن خود نیاورده است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که نظر ابن‌عباس تنها یک نظر تفسیری است که شاید از باب جری و تطبیق تاحدی قابل پذیرش باشد. افزون بر آن‌که علامه مجلسی در باب ٢٢ و ٥٤ نیز روایت پیامبر (ص) را ذکر کرده است (مجلسی، بحارالانوار، ١٤٠٣، ج٦٧: ٢٨١؛ ج٨١: ٣٥٤). همچنین در تفسیر روایی نورالثقلین، در ذیل تفسیر سوره نازعات، هیچ اشاره‌ای به گرفتن روح مؤمنان و یا نشاط ایشان به هنگام قبض روح نشده است (عروسی حویزی، ١٤١٥، ج٥: ٤٩٧).

به‌نظر می‌رسد مترجمان، معادل مفعول مطلق «**نشطاً**» را همان «نشاط داشتن» دانسته‌اند. برداشتی که شاید از قول فراهیدی صورت گرفته است که معادل «**نشط**» را «طیب فی العمل» می‌داند؛ اما حتی اگر این‌گونه باشد، بازهم «**نشطاً**» به ارواح مؤمنان بازنمی‌گردد و بلکه توصیف عمل ملائکه است که کار خود را با طیب خاطر انجام می‌دهند (ن.ک: مصطفوی، ١٣٦٨، ج١٢: ١٢٧)؛ کمااین‌که قرشی نیز به این مطلب اشاره داشته و می‌گوید:

«... بعید است منظور از «**نازعات**» و «**ناشطات**» و ... ملائکه باشند؛ زیرا جمعی که با الف و تاء بسته میشود، یا صفت مؤنّث حقیقی است و ملائکه به‌طور حتم مؤنّث حقیقی نیستند و قرآن با آن قول مبارزه کرده است و یا صفت مذکّر لایعقل است مثل مرفوعات، منصوبات، مجرورات، و ایّام خالیات و یقینی است که ملائکه اولوالعقل‌اند. بنابراین آن‌چه گفته‌اند، مراد از آن‌ها ملائکه است، قابل قبول نیست و خبر قطعی و یقینی در این‌باره نداریم» (قرشی بنایی، ١٤١٢، ج٢: ٣٢٨).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

لذا با توجه به مطالبی که ذکر شد، به‌نظر می‌رسد انتخاب این معادل برای «**نشط**» حقیقتاً با نقد جدی روبه رو بوده و قابلیت دفاع ندارد.

د) رفتن از جایی به جای دیگر

سه مترجم این معنا را برگزیده‌اند: خسروانی: «قسم به ستارگانی که از افقی به افقی می‌روند (نشط ای ذهب)» (١٣٩٠: ذیل آیه)، میبدی: «به ستارگان که از مشرق در می‌گیرند و می‌روند تا به مغرب رسند»(١٣٧١: ذیل آیه)، مشکینی: «به ستارگانی که از مشرق به آرامی بیرون آیند و به سوی مغرب روند» (١٣٨١: ذیل آیه).

مترجمان مذکور با انتخاب این معنا برای «**نشط**» و نیز با گزینش مصادیقی مانند «ستارگان»، نه‌تنها از روش آیه در عدم معرفی مصداق، عدول کرده و بلکه دلیلی برای انتخاب این معادل برای ریشه «نشط» ندارند؛ زیرا اولاً اگر قصدی بر معرفی ملائکه بود همچون سایر آیات به نام ایشان اشاره می‌شد و ثانیاً انتخاب یک معنا از میان تمامی معانی یک کلمه باید با دلیل موجه باشد که در این آیه و سوره این انتخاب نه با سیاق سوره و آیات قبل و بعد و نه با مطالب ذکر شده از منابع روایی هم‌خوانی ندارد.

هـ) نشاط بخشیدن

کاویان‌پور (١٣٧٢: ذیل آیه) و مصباح‌زاده: «و به فرشتگان نشاط آورنده ارواح» (١٣٨٠: ذیل آیه)، دو مترجمی هستند که معنای نشاط بخشیدن را برگزیده‌اند؛ اما همان‌گونه که اشاره شد مصدر «**نشط**» دلالتی بر شادی و نشاط آوردن، ندارد.

و) سایر معانی

در گزینه سایر معانی، مواردی آورده شده است که در معانی مأخوذ از کتب لغت در ذیل واژه «نشط» دیده نمی‌شود؛ اما مترجم فارسی زبان، آن را به‌کار برده است. به‌عنوان مثال، پاینده عبارت «و جان‌گیران آسان‌گیر» (١٣٥٧: ذیل آیه) را ذکر می‌کند که مشخص نیست بر چه مبنایی معادل «**نشطاً**» را آسان‌گیری قرار داده است. رضایی‌اصفهانی، معادل «سوگند به بازستانان نرم گیر!» (١٣٨٣: ذیل آیه) را برگزیده؛ اما مشخص نیست بر کدام اساس معادل «**نشطاً**» را نرم‌گیر دانسته است. همچنین است در مورد معزی: «و به

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

کشندگان کشیدنی (یا جهندگان جهشی)» (۱۳۷۲: ذیل آیه)؛ و یا صلواتی که معادل رهایی بخشیدن را بیان کرده است (۱۳۸۷: ذیل آیه). مگر آن‌که گفته شود رها کردن نیز معادلی از خارج کردن است. همچنین است درباره جلال‌الدین فارسی: «سوگند به تکاپوکنندگان پرتلاش» (۱۳۶۹: ذیل آیه)، ثقفی تهرانی: «و به فرشتگانی که بیرون آورندگانند بیرون آوردنی با محنت» (۱۳۹۸: ذیل آیه)، طاهری قزوینی: «و بادهای رحمت آور» (۱۳۸۰: ذیل آیه) و نوبری: «و قسم به آن نفوسی که به امر و نهی خداوند تعالی تحصیل علم کرده و در اطاعت و انقیاد حق، خوشحال و مسرور و با نشاط می‌شوند» (۱۳۹۶: ذیل آیه)؛ نقدهایی که پیش از این بدان‌ها اشاره شد متوجه انتخاب کنندگان این معنا نیز هست. کمااینکه در هیچ‌یک از این ترجمه‌ها نمی‌توان به مبنای مترجم برای برگزیدن ترجمه موردنظرش دست یافت.

۴-۲- نقد روشِ ترجمه

در بخش نخست مقاله از سه رویکرد انتخابی مترجمان، یعنی تحت‌اللفظی، وفادار و تفسیری نام برده شد و دلایلی در تطبیق این رویکرد با نوع ترجمه مترجم از این آیه نیز ذکر گردید. در این بخش نقد کوتاهی بر هریک انجام شده است.

۴-۲-۱- ترجمه تحت اللفظی

در این روش ترجمه، مترجم به‌جای هر واژه از زبان مبدأ، کلمه‌ای از زبان مقصد را جایگزین می‌کند. در ترجمه تحت‌اللفظی، دغدغه اصلی مترجم حفظ امانت است؛ اما در اکثریت موارد، ترجمه‌ای نارسا بوده و مضمون کلام به مخاطب القا نخواهد شد و مراد مترجم با نوعی خفا و ابهام همراه است که به درک مخاطب از معنای آیه لطمه خواهد زد. همچنین این شیوه ترجمه، نوعی به صیغه و ساختار عربی درآوردن کلمات فارسی است (نجارپوریان، ۱۳۸۸: ۱۳). این اشکال به وضوح در ترجمه‌های ارائه شده از این آیه با شیوه تحت‌اللفظی دیده می‌شود. برای مثال هنگامی که رضایی اصفهانی:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

«سوگند به بازستانان نرم‌گیر» و یا پاینده، معادل «و جان‌گیران آسان‌گیر» را ارائه می‌دهد، مخاطب قادر نخواهد بود درک صحیح و معنای واضحی از بازستانان و یا جان‌گیران به‌دست‌آورد.

اشکال دیگر وارد بر ترجمه تحت‌اللفظی، آن است که در این نوع از ترجمه، توجهی به مؤلفه‌های معنایی واژگان نمی‌شود و ترجمه‌ای نامطلوب است که کاستی‌های فراوانی دارد؛ هرچند نمی‌توان منکر کاربردهای مفید آن در موارد آموزشی شد (جلالی، ١٣٨٩: ١٢٤). بنابر دلایلی که گفته شد، این نوع از ترجمه، روشی نیست که بتوان برای واژگان تک‌کاربرد استفاده نمود. هم‌چنین در معنای واژه «**نشط**» گفته شد که لازم است برای گریز از نقدهای وارد شده و کاستی‌های موجود در دست‌یابی به‌معنای حقیقی واژه، قدر متیقنی از معانی ذکر شده که در جایی به وجه مشترک می‌رسند، را ذکر کرد. لذا به‌نظر می‌رسد در ارائه معادل، برای واژگان تک‌کاربرد، شیوه ترجمه تحت‌اللفظی آخرین گزینه‌ای است که مترجم استفاده خواهد کرد.

۴-۲-۲- ترجمه وفادار

در ترجمه وفادار، تلاش مترجم بر آن است تا به ساختارهای متن مبدأ و مقصد و نیز انتقال صحیح معنا وفادار باشد و هدف او انتقال دقیق معانی در عین رعایت ساخت‌های زبانی هر دو متن مبدأ و مقصد است که البته دارای انسجام متنی نیز هست و افزودن و کاستن به‌دلیل همین وفاداری بیش از ترجمه تحت اللفظی و کم‌تر از ترجمه محتوایی (معنایی) است (جواهری، ١٣٨٤: ١٤٣). لذا به‌نظر می‌رسد در ترجمه واژگان تک‌کاربرد و به‌خصوص در این آیه، به‌دلیل اختصار کلام که البته در زبان قرآن یک ویژگی مثبت برای آیات به‌شمار می‌آید، وفاداری بیش از حد این نوع ترجمه، درک آن را با دشواری مواجه خواهد کرد. اگرچه ارائه نکردن مصداق برای واژه «**ناشطات**» که در قالب فاعلی در این آیه آورده شده است، امتیازی است که این ترجمه را از نوع تفسیری خود متمایز کرده است؛ اما برای مثال عبارت «(و) سوگند به بیرون کشندگان (جان‌ها) به آرامی» که

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

رهنما آن را ذکر کرده است، عبارت بیرون کشندگان، معادل قبض روح است که برای مخاطب فارسی زبان، قابل فهم‌تر از عبارت فوق‌الذکر خواهد بود.

اشکال دیگر ترجمه وفادار آن است که در ذیل این آیه یکی از معانی را برگزیده و سعی کرده است آن را در ساختار زبان مقصد که یکسانی با زبان قرآن دارد، ارائه دهد. در حالی که این نقد بر ترجمه تحت‌اللفظی نیز وارد شد که برگزیدن یک معنا و ترجیح آن بر سایر معانی نیاز به‌دلیل دارد که سیاق آیات پیشین و پسین اگرچه می‌تواند راه‌گشا باشد ولی در این آیه وجود ندارد؛ زیرا علاوه بر استفاده از واژگان متفاوت با معانی متفاوت در آیات پیشین و پسین، خصیصه تک‌کاربرد بودن واژه «**نشط**» نیز ارائه یک معنا را بدون دلیل می‌کند. تنها ویژگی این ترجمه آن است که از معادل تحت‌اللفظی، قابل‌فهم‌تر بوده و سعی در رعایت مؤلفه‌های معنایی واژگان دارد؛ هرچند به‌نظر نمی‌رسد برای ترجمه این آیات مطلوب باشد.

۴-۲-۳- ترجمه تفسیری

در این روش ترجمه، رساندن پیام نویسنده و نه معانی عبارات و جملات متن، در قالب و ساختارهای زبان مقصد، هدف اصلی مترجم است. این روش ترجمه، بیش‌تر در نقل مفهومی یا مختصر و یا ترجمه دیدگاه‌های اشخاص از یک زبان به زبان دیگر مفید است و در مورد قرآن‌کریم روشی نابجا و غلط است (قلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱٤۳). از محتوای ترجمه‌های تفسیری ارائه شده از این آیه، رساندن پیام و نه معانی عبارات و جملات متن به‌وضوح قابل مشاهده است. اصلی‌ترین دلیل برای این سخن، آوردن مصادیق برای «**ناشطات**» و «**نشط**» است که به نوعی پیشی‌گرفتن بر روش قرآن بوده و تنها بر پایه اظهارات تفسیری برخی مفسران و یا روایاتی است که از باب جری و تطبیق قابل گزارش بوده و استفاده از آن در ترجمه قرآن امری اشتباه است. در حالی‌که شاید هنرمندانه‌ترین وجه ترجمه، آن باشد که در مقابل یک لفظ، به کوتاه‌ترین ترجمه اکتفا نموده و در عین حال سعی در ارائه بهترین معنا برای آیه، بدون ذکر مصداق داشت؛ لذا

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

می‌توان نحوه ترجمه این گروه را بر مبنای اصل «پیشی‌گرفتن از متن»، مورد نقد قرار داد؛ زیرا آیه، ضمن معرفی نکردن مصداق، تنها از یک واژه در دو قالب نحوی استفاده نموده است و مترجم می‌بایست تا حد امکان همین شیوه را در پی گرفته و برای «**ناشطات**» متناسب با ویژگی‌های کلامی این کلمه، معادلی مناسب در زبان فارسی ارائه می‌کرد. از این‌رو، هنر مترجم، درآن است که علاوه‌بر رعایت قالب کلمه، به ریشه واحد این دو نیز، توجه داشته و طوری ترجمه کند که یک معنای واحد در دو قالب، ارائه گردد. یعنی رعایت شیوه‌ای که خداوند متعال در استفاده از این ریشه به‌کار برده است.

۵- رویکرد پیشنهادی

برای ارائه مدل ترجمه این آیه و ریشه آن، یعنی واژه «**نشط**»، باید به دو نکته مهم که البته در طی مقاله بدان اشاراتی شد، توجه داشت:

نخست آن‌که، باتوجه به سیاق موضوعی واژه در کل قرآن که یکی از بهترین راه‌های معادل‌یابی معنایی برای یک واژه است و بی‌بهره بودن واژه « **نشط**» از این سیاق، تنها راه برای ترجمه این نوع از واژگان، توجه به سیاق آیات همنشین و در صورت کوتاه بودن سوره، توجه به غرض اصلی آیات قبل و بعد است، لذا با توجه به آیات پیشین و پیسین، انجام امور توسط مأموران الهی، اصلی‌ترین غرض این آیات به‌شمار می‌آید.

دوم آن‌که، آیه در عین عدم سخن از مصداق، در قالب‌های واژگانی، از ریشه «نشط» استفاده کرده است و در نتیجه، معنایی که برای «**ناشطات**» به‌کار می‌رود باید برای «**نشطاً**» نیز به شرط رعایت قالب فاعلی و مفعولی به‌کار رود.

بر همین اساس و به‌منظور گریز از درافتادن به دامان ترجمه تحت‌اللفظی و عدم ارائه مصداق، همچون ترجمه تفسیری و آزاد و نیز برای رهایی از نقد وارد بر ترجمه وفادار، که همان برگزیدن معنایی بدون دلیل است، به‌نظر می‌رسد در این آیه بهترین نوع ترجمه، استفاده از روش ترجمه محتوایی است؛ زیرا این روش ترجمه که به ترجمه معنایی نیز

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

موسوم است، خوش‌خوان‌تر از سایر روش‌های گفته شده است (جواهری، ۱۳۸٤: ۱٤٤) و در طی آن، فرآیند کشف معنا به‌درستی انجام می‌گیرد (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). این فرآیند همان نکته‌ای است که در ترجمه آیات ابتدایی سوره نازعات و به‌خصوص آیه موردبحث، قابل مشاهده بوده و در قالب استفاده از سطوح مختلف سیاق در آیه، تفحص معنایی در کتب لغت و توجه به گزینه‌های حدیثی صادرشده درباره این آیه ارائه می‌شود؛ و این فرآیند به نوعی توجه به مؤلفه‌های معنایی است که منجر به کشف بهتر معنای آیه و ریشه «**نشط**» می‌شود.

همچنین برای ترجمه مفعول مطلق «**نشطاً**»، با توجه به مدل‌های ترجمه شده در سیاق‌های مشابه همانند آیه: «**كَلَّمَ اللَّهُ مُوسى تَكْلِيما**» (نساء/۱۰٤)، باید مفعول مطلق را متناسب با هم‌ریشه اولیه خود که پیش از آن آمده، ترجمه نمود و از آن‌جائی که مفعول مطلق برای تأکید بیان، نوع یا عدد استفاده می‌شود (ن.ک: سیوطی، ۱٤۱۷، ج۱: ۲۲۱)، در این آیه نیز معنای درنظر گرفته شده برای «**نشطاً**» باید تأکیدی بر واژه «ناشطات» بوده و تناسب معنایی ریشه اصلی این دو کلمه یعنی همان «تغییر و دگرگونی» و عدم معرفی مصداق در سیاق آیه درنظر گرفته شود. اما نکته اساسی آن است که اگر مترجم بخواهد ریشه معنایی «**ناشطات**» یعنی «تغییر دادن» را در قالب مفعول مطلق ترجمه کند و به‌عنوان مثال بگوید: «و (قسم به) تغییردهندگان (امور) تغییر دادنی»، این معادل برای خواننده فارسی زبان نامفهوم بوده و خواهد پرسید «تغییردادنی» به چه معناست؟

لذا از آن‌رو که اصل وجود مفعول مطلق برای تأکید هم‌ریشه اولیه خود است و در این آیه قصد تاکید این مطلب را دارد که انجام‌دهندگان امور، حقیقتاً سستی نداشته، کم نگذاشته و وظیفه خود را به‌درستی انجام می‌دهند، پس استفاده از معادل فارسی «حقیقی»، «واقعی»، «اصلی» و کلماتی از این قبیل برای خواننده فارسی زبان، ملموس‌تر خواهد بود. افزون بر آن‌که، به‌علت کثرت وجود معانی و مصادیق ذکرشده برای این واژه، به‌نظر می‌رسد ذکر قدر متیقن تمامی این مصادیق و معانی، با توجه به ویژگی‌های

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

زبان فارسی، به درک معنای حقیقی آیه کمک بیش‌تری خواهد نمود. لذا براساس مطالب گفته شده مدل پیشنهادی نگارندگان برای بازگردانی آیه این است: «و (قسم به) تغییردهندگان حقیقی (امور)».

۶- نتیجه‌گیری

۱- آیه ۲ سوره نازعات با ریشه «نشط» یکی از واژگان تک‌کاربرد قرآن‌کریم است که فقدان سیاق مشابه در سایر آیات ترجمه آن را با دشواری همراه کرده است.

۲- مترجمان فارسی زبان قرآن‌کریم در برخورد با آیه مذکور،از سه روش ترجمه تحت اللفظی، وفادار و تفسیری استفاده کرده‌اند که بر هریک نقدهایی قابل دفاع وارد است.

۳- در ترجمه واژه «نشط» و به تبع آن کل آیه، به دو نکته مهم: عدم ارائه مصداق توسط آیه و برگزیدن معنا با دلیل، باید توجه نمود؛ زیرا غفلت از هریک، موجب درافتادن به خطاهای ذکر شده در سه رویکرد مذکور خواهد شد.

٤- با توجه به نقدهای وارده، به‌نظر می‌رسد رویکرد محتوایی، بهترین روش برای ترجمه آیاتی از این قبیل است که فاقد مؤلفه‌های کمکی در یافتن معنا هستند. این رویکرد به‌دلیل استفاده از فرآیند کشف معنا، کاستی‌های سایر روش‌ها را تا حد زیادی پوشش خواهد داد.

۵- براساس براهین گفته شده در پژوهش، از جمله: عدم وجود دلیل در رجحان یک معنا و نیز براساس معانی موجود در کتب لغت و استفاده از سیاق قرآنی واژه و مستندات روایی، مبنی بر وجود تناقض‌های معنایی درباره این آیه، ترجمه پیشنهادی این پژوهش معادل «قسم به تغییردهندگان حقیقی (امور)» است.

۷- پی‌نوشت

۱- حسینی، بی‌بی زینب، پژوهشی درباره واژگان تک کاربرد در قرآن‌کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

۲- برای اطلاع از انواع ترجمه رک: قلی‌زاده، حیدر، روش‌های ترجمه و توصیف زبان شناختی آن‌ها، بینات، پاییز ۱۳۸۳، شماره ٤۳، صص ۱۳٤-۱٤٤.

۳- ن.ک: ترجمه ابوالقاسم پاینده، قرآن ناطق، یادداشت مترجم، ص۲۳۹.

٤- ن.ک: حسینی سید علی اکبر، دلایل ناکارآمدی نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن، پژوهش-های قرآنی، زمستان ۱۳۸٦، شماره ٥٦، صص٥۲-۸۷.

٥- البته گفته می‌شود که «شنط» واژه‌ای مستعمل در عربی است که کاربردی ندارد (ن.ک: أزهری، ۱٤۲۱ق،۲۱۳/۱۱).

۸- منابع

۱- آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا، *کلمة اللّه العلیا (ترجمه قرآن‌کریم)*، تهران: اسوه، (۱۳۷۷ش).

۲- آیتی، عبدالمحمد، *ترجمه قرآن*، چاپ چهارم، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، (۱۳۷٤).

۳- ابن‌سیده، علی‌بن اسماعیل، *المحکم و المحیط الأعظم*، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا، (۱٤۲۱ق).

٤- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا، (۱۹۸۸م).

٥- ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم، *تأویل مشکل القرآن*، محقق: شمس‌الدین، ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (۱٤۲۳ق).

٦- ابن‌فارس، احمدبن فارس، *معجم مقاییس اللغه*، چاپ: اول، قم: بی‌نا، (۱٤۰٤ق).

۷- ازهری، محمدبن احمد، *تهذیب اللغة*، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا، (۱٤۲۱ق).

۸- ارفع، کاظم، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: فیض کاشانی، (۱۳۸۱ش).

۹- الهی‌قمشه‌ای، مهدی، *ترجمه قرآن*، چاپ: دوم، قم: فاطمه الزهراء، (۱۳۸۰ش).

۱۰- امینیان، کرم‌خدا، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، قم: اسوه، (۱۳۸٤ش).

۱۱- امین، نصرت‌بیگم، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، چاپ: اول، بی‌مک: بی‌نا، (بی‌تا).

۱۲- انصاریان، حسین، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، قم: اسوه، (۱۳۸۳ش).

۱۳- بحرانی، سیدهاشم‌بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ: اول، قم: بی‌نا، (۱۳۷٤ش).

۱٤- برزی، اصغر، *ترجمه قرآن و نکات نحوی آن*، چاپ: اول، تهران: بنیاد قرآن، (۱۳۸۲ش).

۱٥- بروجردی، محمدابراهیم، *ترجمه قرآن*، چاپ: ششم، تهران: کتابخانه صدر، (۱۳٦٦ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

١٦- پاکتچی، احمد، «ترکیب‌های اضافی در ترجمه قرآن‌کریم»، *علوم قرآن و حدیث*، شماره ١، صص ١٢١-١٣١، (١٣٧٦ش).

١٧- پاینده، ابوالقاسم، *ترجمه قرآن*، چاپ: پنجم، تهران: جاویدان، (١٣٥٧ش).

١٨- پورجوادی، کاظم، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، (١٤١٤ق).

١٩- ثقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، چاپ: دوم، تهران: برهان، (١٣٩٨ق).

٢٠- جلالی، سیدلطف الله، «ترجمه معنایی از نظر میلدرد لارسون»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، شماره ٣، صص١١٩-١٣٦، (١٣٨٩).

٢١- جواهری، سیدمحمد حسن، «پژوهش در انواع ترجمه قرآن‌کریم»، *پژوهش های قرآنی*، شماره ٤٢، صص١٣٦-١٥٩، (١٣٨٤).

٢٢- حجتی، مهدی، *گلی از بوستان خدا*، چاپ: ششم، قم: بخشایش، (١٣٨٦ش).

٢٣- حسینی، بی‌بی زینب، *پژوهشی درباره واژگان تک‌کاربرد در قرآن‌کریم*، چاپ: اول، قم: بوستان کتاب، (١٣٩٣).

٢٤- حسینی سید علی اکبر، «دلایل ناکارآمدی نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ٥٦، صص٥٢-٨٧ ، (١٣٨٦).

٢٥- حمیری، نشوان بن سعید، *شمس العلوم*، چاپ: اول، دمشق، بی‌نا، (١٤٢٠ق).

٢٦- خانی کلقای، حسین؛ حلال خور، کوثر، «بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت ترجمه فولادوند (بررسی موردی سوره نساء)»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، شماره ١٢، صص ٨٩-١١٨، (١٣٩٤).

٢٧- خسروانی، علیرضا، *تفسیر خسروی*، چاپ: اول، تهران: کتابفروشی اسلامیه، (١٣٩٠ق).

٢٨- خرم‌دل، مصطفی، *تفسیر نور*، چاپ: چهارم، تهران: احسان، (١٣٨٤ش).

٢٩- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا، (١٤١٢ق).

٣٠- رهنما، زین‌العابدین، *قرآن مجید با ترجمه و جمع‌آوری تفسیر*، چاپ: اول، تهران: سازمان اوقاف، (١٣٥٤ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

۳۱- رضایی اصفهانی، محمدعلی، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، قم، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، (۱۳۸٤ش).

۳۲- زبیدی، ماجد ناصر، *التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البیت*، چاپ: اول، بیروت: دارالمحجة البیضاء، (۱٤۲۸ق).

۳۳- سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، چاپ: اول، تهران: سر الاسرار، (۱۳۷۲ش).

۳٤- سراج، رضا، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).

۳۵- سمرقندی، نصربن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، چاپ: اول، بیروت: دارالفکر، (۱٤۱٦ق).

۳٦- سیوطی، عبدالرحمن، *النهجة المرضیه فی شرح الألفیة*، چاپ اول، قم: مکتب الأعلام الاسلامی، مرکز النشر، (۱٤۱۷ق).

۳۷- شاه ولی‌الله، احمدبن عبدالرحیم، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، سراوان: کتابفروشی نور، (بی‌تا).

۳۸- شیبانی، اسحاق بن مرار، *کتاب الجیم*، چاپ: اول، قاهره: بی‌نا، (۱۹۷۵م).

۳۹- صادق نوبری، عبدالمجید، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: اقبال، (۱۳۹٦ق).

٤۰- صفوی، محمدرضا، *ترجمه قرآن بر اساس المیزان*، چاپ: اول، قم: دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).

٤۱- صفی‌علی‌شاه، محمدحسن‌بن محمدباقر، *تفسیر قرآن صفی علی شاه*، چاپ: اول، تهران: منوچهری، (۱۳۷۸ش).

٤۲- صلواتی، محمود، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: مبارک، (۱۳۸۷ش).

٤۳- صیادانی، علی؛ بازیار، رسول، «نقدی بر معروف‌ترین روش‌های ترجمه قرآن‌کریم»، *پژوهش‌های قرآنی در ادبیات*، شماره ۳، صص ۱-۱۸، (۱۳۹٤).

٤٤- طاهری قزوینی، علی‌اکبر، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: قلم، (۱۳۸۰ش).

٤۵- طباطبایی، محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، چاپ: پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۷٤ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

٤٦- طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، چاپ: اول، اردن، اربد: دار الکتاب الثقافی، (٢٠٠٨م).

٤٧- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، چاپ: اول، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، (١٣٧٥ش).

٤٨- طبری، محمدبن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ: اول، بیروت: دارالمعرفة، (١٤١٢ق).

٤٩- طنطاوی، محمد سید، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، چاپ: اول، قاهره: نهضة مصر، (١٩٩٧م).

٥٠- عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، چاپ: اول، تهران: کتابفروشی صدوق، (١٣٦٠ش).

٥١- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعة، *تفسیر نور الثقلین*، چاپ: چهارم، قم: بی‌نا، (١٤١٥ق).

٥٢- فارسی، جلال‌الدین، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: انجام کتاب، (١٣٦٩ش).

٥٣- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ: دوم، قم: بی‌نا، (١٤٠٩ق).

٥٤- فولادوند، محمدمهدی، *ترجمه قرآن*، چاپ: سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (١٤١٨ق).

٥٥- فهمی حجازی، محمد، *زبان‌شناسی عربی*، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: سمت، (١٣٧٩).

٥٦- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، ، چاپ: دوم، تهران: بی‌نا، (١٤١٥ق).

٥٧- قرشی بنابی، علی‌اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ: دوم، تهران: بنیاد بعثت (مرکز چاپ و نشر)، (١٣٧٥ش).

٥٨- قلی‌زاده، حیدر، «روش‌های ترجمه و توصیف زبان شناختی آن‌ها»، *بینات*، شماره ٤٣، صص ١٣٤-١٤٤، (١٣٨٣).

٥٩- کاویان‌پور، احمد، *ترجمه قرآن*، چاپ: سوم، تهران: اقبال، (١٣٧٢ش).

٦٠- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، چاپ: دوم، بیروت: بی‌نا، (١٤٠٣ق).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]

٦١- موسوی گرمارودی، علی، *ترجمه قرآن*، چاپ: دوم، تهران: قدیانی، (١٣٨٤ش).

٦٢- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ، (١٣٨٥ش).

٦٣- مشکینی اردبیلی، علی، *ترجمه قرآن*، چاپ: دوم، قم: نشر الهادی، (١٣٨١ش).

٦٤- مکارم شیرازی، ناصر، *ترجمه قرآن*، چاپ: دوم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (١٣٧٣ش).

٦٥- نسفی، عمر بن محمد، *تفسیر نسفی*، چاپ: اول، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، (١٣٧٦ش).

٦٦- یاسری، محمود، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی، (١٤١٥ق).

٦٧- مغنیه، محمدجواد، *تفسیر کاشف*، چاپ: اول، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، (١٣٧٨ش).

٦٨- مصباح‌زاده، عباس، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: بدرقه جاویدان، (١٣٨٠ش).

٦٩- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ: اول، تهران: بی‌نا، (١٣٦٨ش).

٧٠- مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، چاپ: اول، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، (١٤٢٣ق).

٧١- معزی، محمدکاظم، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، قم: اسوه، (١٣٧٢ش).

٧٢- مهنا، عبدالله علی ، *لسان اللسان*، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، (١٤١٣ق).

٧٣- میبدی، احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، چاپ: پنجم، تهران: امیر کبیر، (١٣٧١ش).

٧٤- نجارپوریان، علی، کدام نوع ترجمه را انتخاب کنیم، *رشد آموزش قرآن*، شماره ٢٦، صص ١١-١٦، (١٣٨٨).

٧٥- نیجیری، عبداللهبن فودی (بی‌تا)، *الحصن الرصین فی علم التصریف*، چاپ اول، محقق: حسین، محمد صالح، نیجریه، کانو: دارالامة، (بی‌تا).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.2.0]